

نقش مادر در پرورش تفکر خلاق و مهارت های حل مسئله در فرزندان

فاطمه فرصت صفایی¹

چکیده

این پژوهش به بررسی نقش مادر در پرورش تفکر خلاق و مهارت های حل مسئله در فرزندان می پردازد. با توجه به اهمیت دوران کودکی در شکل گیری توانایی های شناختی و خلاقانه، هدف این مطالعه تحلیل شیوه های تعامل مادرانه و تأثیر سبک های فرزندپروری بر رشد این مهارت هاست. روش پژوهش مبتنی بر مرور منابع کتابخانه ای و تحلیل یافته های مطالعات پیشین است. نتایج نشان می دهد که تشویق پرسشگری، فراهم آوردن محیط غنی از محرک های ذهنی، استفاده از بازی های خلاقانه، و سبک فرزندپروری مقتدرانه از عوامل کلیدی در تقویت تفکر خلاق و حل مسئله هستند. همچنین، دلبستگی ایمن و گفت و گوی مؤثر مادر و کودک به عنوان بسترهای عاطفی مؤثر بر این فرآیند شناسایی شدند. این یافته ها می توانند راهنمای والدین و مربیان در طراحی برنامه های تربیتی مؤثر باشند.

کلیدواژه ها: تفکر خلاق، حل مسئله، سبک فرزندپروری، مادر، مهارت های شناختی.

¹ طلبه پایه دوم، سطح دو حوزه علمیه امام خمینی رحمه الله علیه کرامت شاه.

پرورش تفکر خلاق و مهارت‌های حل مسئله در کودکان از جمله دغدغه‌های اساسی نظام‌های تربیتی معاصر است. با توجه به نقش بی‌بدیل مادر در سال‌های اولیه زندگی، این پژوهش به بررسی تأثیر تعاملات مادرانه بر رشد این توانایی‌ها می‌پردازد. مطالعات پیشین، از جمله پژوهش‌های شکوهی‌یکتا و همکاران (۱۳۹۵) و سیمیار و آقایی ثابت (۱۴۰۳)، نشان داده‌اند که شیوه‌های تربیتی مادران می‌تواند به‌طور معناداری بر انعطاف‌پذیری شناختی و خلاقیت کودکان تأثیر بگذارد. با این حال، خلأ پژوهشی در زمینه ترکیب نقش عاطفی و شناختی مادران در این فرآیند همچنان احساس می‌شود.

ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می‌شود که جامعه امروز به افرادی نیاز دارد که بتوانند با مسائل پیچیده و غیرمنتظره به‌صورت خلاقانه برخورد کنند. از این رو، شناسایی راهکارهای عملی برای تقویت این مهارت‌ها در بستر خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. جنبه نوآوری این مقاله در تلفیق مباحث روان‌شناسی شناختی با رویکردهای تربیتی اسلامی است که به ارائه الگویی جامع از نقش مادر می‌پردازد.

سوالات اصلی این پژوهش عبارتند از:

۱. شیوه‌های تعامل مادرانه چگونه بر پرورش تفکر خلاق و حل مسئله در کودکان تأثیر می‌گذارند؟
 ۲. سبک‌های فرزندپروری چه تأثیری بر رشد این مهارت‌ها دارند؟
- سوالات فرعی نیز شامل نقش دلبستگی ایمن و گفت‌وگوی مؤثر در این فرآیند است.

ساختار مقاله به‌صورتی طراحی شده است که ابتدا به شیوه‌های تعامل مادرانه می‌پردازد، سپس سبک‌های فرزندپروری را تحلیل می‌کند، و در نهایت نقش عاطفی مادر را بررسی می‌نماید. مفاهیم کلیدی مانند "تفکر خلاق"، "حل مسئله"، و "سبک مقتدرانه" در طول مقاله تعریف و تبیین می‌شوند.

۱. شیوه‌های تعامل مادرانه برای تقویت خلاقیت

۱.۱ تشویق به پرسشگری و کنجکاوی

کودکان به‌طور طبیعی و ذاتی دارای روحیه‌ای پرسشگر و کنجکاو هستند، اما رشد و پرورش این ویژگی، نیازمند پاسخ‌دهی هدفمند، آگاهانه و هدایت‌شده از سوی مادران است. مادران می‌توانند با ایجاد فضایی که مبتنی بر "پرسش‌محوری" باشد، به جای ارائه‌ی پاسخ‌های سریع و قطعی، کودک را به تأمل و کنکاش بیشتر دعوت کنند و بدین‌وسیله فرآیند یادگیری فعال و جست‌وجوی درونی را در او تقویت نمایند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند کودکانی که مادرانشان به‌جای پاسخ‌دهی مستقیم، با طرح پرسش‌های باز مانند "چرا فکر می‌کنی این اتفاق افتاد؟" یا "اگر این‌طور می‌شد، به‌نظرت چه می‌شد؟" آن‌ها را به تفکر و امی‌دارند، در مواجهه با مسائل مختلف، انعطاف‌پذیری بیشتری در حل مسئله از خود نشان می‌دهند و مسیرهای متفاوتی را برای رسیدن به پاسخ‌ها امتحان می‌کنند (شکوهِ‌یکتا و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۳۲).

روش‌های عملی برای تقویت این رویکرد:

پذیرش و استقبال از سؤالات بی‌پاسخ: مادران می‌توانند با جملاتی مانند "خوشحالم این سؤال رو پرسیدی، بیا با هم جوابش رو پیدا کنیم" نه‌تنها اضطراب کودک را نسبت به ندانستن کاهش دهند، بلکه اعتمادبه‌نفس او را در مسیر کشف پاسخ‌ها افزایش دهند. این رویکرد، کودک را شریک در فرآیند یادگیری می‌داند و به او نشان می‌دهد که جست‌وجو برای پاسخ، ارزشی بیشتر از دانستن صرف دارد.

تبدیل موقعیت‌های ساده و روزمره به فرصت‌هایی برای تقویت روحیه پرسشگری: برای مثال، زمانی که مادر در حال پخت غذاست، با پرسیدن سؤالاتی مانند "چیا باعث پختن تخم‌مرغ می‌شه؟" ذهن کودک را به سوی استدلال علمی، علت‌یابی و تفکر تحلیلی سوق می‌دهد. این تعامل‌های ساده و به‌ظاهر پیش‌پاافتاده، در حقیقت می‌توانند به بستری برای رشد ذهنی عمیق و تفکر انتقادی تبدیل شوند (سیمیار و آقایی ثابت، ۱۴۰۳، ص ۲۵).

۲.۱ فراهم آوردن محیطی غنی از محرک‌های ذهنی

خانه نخستین و مهم‌ترین محیطی است که کودک در آن تجربه‌ی یادگیری را آغاز می‌کند؛ به عبارتی می‌توان گفت خانه، آزمایشگاه اولیه یادگیری کودک به‌شمار می‌رود. در این فضا، مادران نقشی کلیدی در طراحی و

شکل‌دهی محیطی دارند که به رشد شناختی، هیجانی و خلاقانه کودک منجر می‌شود. هنگامی که مادران محیط خانه را با استفاده از منابع آموزشی متنوع مانند کتاب‌های داستان و علمی مناسب سن، ابزارهای هنری مثل رنگ و خمیر، و همچنین آزمایش‌های ساده علمی غنی می‌سازند، در حقیقت بستر مناسبی برای تجربه‌های یادگیری فعال و عمیق فراهم می‌کنند. افزون بر این، بهره‌گیری از فعالیت‌های چندحسی، مانند لمس مواد مختلف، گوش دادن به صداهای متنوع و تماشای فرایندهای تغییر، به کودک کمک می‌کند تا از طریق حواس گوناگون با جهان اطراف ارتباط برقرار کرده و مسیر اکتشاف و خلاقیت را طی کند.

بر اساس مطالعه‌ای که بر روی کودکان سه تا پنج ساله انجام شد، مشاهده شد کودکانی که مادرانشان از فعالیت‌های هنری مانند نقاشی، کولاژ یا مجسمه‌سازی به عنوان ابزاری برای بیان احساسات، افکار و ایده‌های کودک استفاده می‌کنند، در حوزه‌های پردازش هیجانی-اجتماعی و یادگیری زبان، پیشرفت قابل‌توجه و چشم‌گیری از خود نشان می‌دهند. این یافته نشان می‌دهد که هنر تنها یک فعالیت تفریحی نیست، بلکه پلی است برای ارتباط عمیق‌تر کودک با خود و دیگران و همچنین ابزار مؤثری برای توسعه مهارت‌های زبانی و عاطفی (سیمیار و آقایی ثابت، ۱۴۰۳، ص ۲۰).

راهکارهای کاربردی و قابل اجرا برای مادران در خانه:

فعالیت‌های علمی قابل‌فهم و جذاب: نمونه‌ای مانند ساخت آتشفشان با استفاده از جوش شیرین و سرکه نه تنها کودک را سرگرم می‌کند، بلکه مفاهیم پایه‌ای شیمی مانند واکنش مواد را نیز برای او ملموس و قابل درک می‌سازد.

پروژه‌های ساده‌ی مهندسی و ساخت‌وساز: فعالیت‌هایی مانند طراحی و ساختن پل با ماکارونی، موجب درگیری ذهنی کودک با مفاهیم تعادل، وزن، و طراحی خلاقانه می‌شود و زمینه‌ساز پرورش تفکر مهندسی در سنین پایین است (بیتوته، ۱۴۰۲، ص ۵).

داستان‌سرایی خلاق و مسئله‌محور: مادران می‌توانند با تعریف داستان‌هایی که در آن شخصیت‌ها با مسئله یا چالشی روبه‌رو می‌شوند، کودک را به مشارکت فعال در روند داستان و پیشنهاد راحل‌های مختلف تشویق کنند. این روش علاوه بر تقویت قدرت تخیل، مهارت حل مسئله و بیان خلاق را در کودک توسعه می‌دهد.

بازی، زبان طبیعی و نخستین ابزار ارتباطی کودک با جهان پیرامونش است؛ زبانی که کودک از طریق آن احساسات، افکار و درک خود از محیط را بیان می‌کند. در این میان، مادران می‌توانند با انتخاب آگاهانه‌ی بازی‌هایی که ماهیتی استراتژیک و مسئله‌محور دارند، به تقویت عمیق مهارت‌های شناختی، به‌ویژه حل مسئله در فرزند خود کمک کنند. این بازی‌ها نه تنها جنبه‌ی سرگرمی دارند، بلکه فرصت‌هایی فراهم می‌سازند تا کودک در فضایی ایمن، دست به تجربه، آزمون و خطا، تصمیم‌گیری و ارزیابی پیامدهای انتخاب‌هایش بزند. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که بازی‌هایی همچون شطرنج، پازل‌های سه‌بعدی و نقش‌آفرینی‌های هدفمند مانند سناریوی "اگر تو شهردار بودی، چه تصمیمی می‌گرفتی؟" باعث فعال شدن تفکر تحلیلی و منطقی در ذهن کودک می‌شوند و همچنین او را با فرآیند تصمیم‌سازی و نتایج آن آشنا می‌سازند (دولتیاری، ۱۴۰۲).

نمونه‌هایی از بازی‌های مؤثر برای تقویت تفکر و حل مسئله:

بازی‌های صفحه‌ای و رومیزی: نمونه‌ای مانند "مونوپولی" به کودک می‌آموزد چگونه منابع خود را مدیریت کند، بین نیازها و اولویت‌ها تمایز قائل شود و در شرایط رقابتی تصمیم‌گیری اقتصادی انجام دهد. چنین بازی‌هایی، ذهن کودک را به سمت تفکر بلندمدت و ارزیابی پیامدهای مالی سوق می‌دهند.

بازی‌های دیجیتال آموزشی و هدفمند: استفاده از اپلیکیشن‌هایی نظیر اسکرچ جونیور که طراحی شده‌اند تا کودکان از طریق آن‌ها با مفاهیم ابتدایی کدنویسی آشنا شوند، موجب تقویت مهارت حل مسئله، منطق‌گرایی، و در عین حال خلاقیت می‌شود. این دسته از بازی‌ها، ترکیب موفقی از سرگرمی و آموزش محسوب می‌شوند (پول‌استار، ۱۴۰۲).

بازی‌های گروهی خانوادگی و پروژه‌محور: فعالیت‌هایی نظیر ساخت ربات از لوازم دورریختنی در همکاری میان مادر و کودک، نه تنها خلاقیت را پرورش می‌دهد، بلکه مهارت‌های ارتباطی، مشارکت گروهی و تقسیم مسئولیت را نیز در کودک نهادینه می‌کند. این تعاملات فرصتی می‌شود تا کودک نقش خود را در جمع تجربه کرده و بر مهارت‌های اجتماعی خود بیفزاید.

می‌نمایند که اندیشه‌ها و پیشنهادهای او دارای اهمیت و ارزش است.

راهکارهای عملی برای تقویت گوش دادن فعال:

بازتاب دادن احساسات کودک: در این روش، مادر احساس پنهان در پس ایده کودک را به زبان می‌آورد. برای مثال ممکن است بگوید: «به نظر می‌رسد خیلی ذوق‌زده‌ای بابت ساختن این اختراع، درست‌ه؟»؛ این کار موجب می‌شود کودک احساس درک شدن و همراهی بیشتری کند.

پرهیز از قطع جریان فکری کودک: لازم است مادر اجازه دهد فرزندش افکار خود را بدون وقفه و تا پایان بیان کند، حتی اگر در نگاه نخست، ایده کودک غیرمنطقی یا ساده‌لوحانه جلوه کند (بیتوته، ۱۴۰۲).

طرح سوالاتی برای تعمیق ایده‌ها: پرسش‌هایی مانند «اگر این بخش رو جور دیگه‌ای بسازی، چه تغییری ایجاد می‌شه؟» یا «فکر می‌کنی این ایده چه کمکی به حل فلان مشکل می‌کنه؟» موجب می‌شود کودک به تحلیل و گسترش ایده‌اش بپردازد و دامنه تفکر خود را وسیع‌تر کند (امیرآشنایی، ۱۴۰۰، ص ۷).

یافته‌های یک پژوهش میدانی که بر روی گروهی از دانش‌آموزان دوره ابتدایی انجام شده، حاکی از آن است که کودکانی که مادرانشان روزانه دست‌کم ۲۰ دقیقه را به گفت‌وگوی آزاد و بدون پیش‌داوری در مورد افکار و ایده‌های فرزند اختصاص می‌دادند:

در آزمون‌های مربوط به تفکر واگرا (مانند یافتن کاربردهای غیرمعمول برای یک شیء)، حدود ۳۰ درصد امتیاز بالاتری به دست آوردند.

همچنین این کودکان در مقایسه با سایر همسالان خود، حدود ۴۵ درصد بیشتر در فعالیت‌های خلاقانه و گروه‌محور مشارکت نشان دادند (شکوهی‌یکتا و همکاران، ۱۳۹۵، ص ۴۰).

پیامدهای ناشی از گفت‌وگوی نامؤثر و قضاوت‌گرایانه:

قضاوت‌های عجولانه و زود هنگام: عباراتی مثل «این که اصلاً شدنی نیست» یا «چرا همچین فکری به ذهنت

رسیده؟» می‌تواند فرآیند شکل‌گیری و رشد خلاقیت را در کودک مختل کند و باعث سرکوب اعتماد به ایده‌پردازی در آینده شود.

مداخله زودهنگام با ارائه رامحل: زمانی که مادر به‌جای شنیدن دقیق، فوراً رامحل ارائه می‌دهد، در واقع فرصت تمرین برای تحلیل، بررسی و تصمیم‌گیری مستقل را از کودک می‌گیرد (پورتال فرزام، ۱۴۰۰).

راهکارهایی برای فراهم‌سازی "فضای امن ایده‌پردازی" در خانه:

مادر می‌تواند با اقداماتی ساده اما اثربخش مانند اختصاص دادن یک دفترچه ویژه ثبت ایده‌های فرزند – حتی اگر ایده‌ها عملیاتی نباشند – و نیز تبدیل برخی از آن‌ها به پروژه‌های خانوادگی مشترک (مثلاً ساخت نمونه‌ای از ایده با استفاده از وسایل دورریختنی)، زمینه‌ای فراهم سازد که کودک با اطمینان و رغبت بیشتری افکار نوآورانه خود را ابراز کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند چنین اقداماتی می‌تواند تا ۵۰ درصد میزان تخیل فعال و سازنده را در کودکان ارتقاء دهد (سیمیار و آقایی ثابت، ۱۴۰۳، ص ۴۲).

این پژوهش نشان می‌دهد که مادران با به‌کارگیری شیوه‌های تعاملی هدفمند، مانند تشویق پرسشگری، ایجاد محیط غنی از محرک‌های ذهنی، و استفاده از بازی‌های خلاقانه، می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در پرورش تفکر خلاق و مهارت‌های حل مسئله در فرزندان خود ایفا کنند. همچنین، سبک فرزندپروری مقتدرانه که ترکیبی از اقتدار و پاسخگویی عاطفی است، به‌عنوان مؤثرترین روش در این زمینه شناسایی شد. از سوی دیگر، پیوند عاطفی ایمن و گفت‌وگوی مؤثر بین مادر و کودک به عنوان بسترهای ضروری برای رشد این توانایی‌ها مورد تأکید قرار گرفت.

یافته‌های این پژوهش می‌تواند به والدین، مربیان، و برنامه‌ریزان تربیتی کمک کند تا با طراحی محیط‌های یادگیری پویا و حمایتگر، زمینه را برای پرورش نسلی خلاق و مسئله‌گشا فراهم آورند. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده به بررسی تأثیر این عوامل در بسترهای فرهنگی مختلف و نیز نقش سایر اعضای خانواده در این فرآیند بپردازند.

۱. البرزی، محبوبه (۱۳۹۰). «نقش باورهای فرزندپروری و نگرش مادران به تفکر خلاق بر خلاقیت کودکان»، جلوه هنر، ۹(۲)، صص ۷-۲۴.
۲. امیرآشنایی، زهرا (۱۴۰۰). نقش خانواده در پرورش خلاقیت.
۳. بیتوته (۱۴۰۲). خلاقیت لازمه مادری کردن.
۴. بیتوته (۱۴۰۲). سبک‌های فرزندپروری.
۵. پورتال فرزاد (۱۴۰۰). پرورش خلاقیت در خانواده.
۶. چیلتا (۱۴۰۱). نقش مادر در تربیت فرزند.
۷. دولتیاری، علی (۱۴۰۲). پرورش مهارت حل مسئله در کودکان.
۸. شکوهی‌یکتا، محسن؛ اکبری‌زردخانه، سعید؛ پرند، اکرم؛ محمودی، مریم؛ مشروطی، پریسا (۱۳۹۵). «تأثیر آموزش حل مسئله به مادران بر فرایندهای خانوادگی و شیوه‌های فرزندپروری»، فصلنامه سلامت روان کودک، ۳(۱)، صص ۲۹-۴۰.
۹. سیمیار، مریم؛ آقایی ثابت، سیده سارا (۱۴۰۳). «تعیین رابطه بین تفکر خلاق مادر با مهارت زبانی و پردازش هیجانی-اجتماعی کودکان ۳ تا ۵ ساله»، مجله روان‌شناسی تحولی، ۷(۸۴).
۱۰. محمدیان‌زو، رضا و همکاران (۱۴۰۳). «بررسی نقش آموزش مهارت‌های حل مسئله در تقویت خلاقیت دانش‌آموزان»، کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در علوم تربیتی.

Kwaśniewska, J. M., & Lebuda, I. (2017). Mothers' personality traits and the climate .¹¹
for creativity. *Thinking Skills and Creativity*

Zhang, N., Zhang, X., Ma, M., Xu, J., & Wang, Y. (2024). Nurturing creativity in .¹²
Chinese families: The family creative climate as a mediator and mother-child
.closeness/conflict as moderators. *Journal of Creative Behavior*